

خبرگزاری دانشجویان ایران: حساسیت روابط ایران و چین در شرایط کنونی

بسیاری از کشورهای جهان کموبیش در معرض فشارهای سیاسی و تبلیغاتی آمریکا قرار دارند و این شامل ایران و چین نیز می‌شود؛ بدیهی است که جنبه‌هایی از همکاریهای کشورهای جهان با ذوق و سلیقه‌ی دولتمردان آمریکا همخوانی ندارد و در چنین حالتی است که آمریکا دیپلماسی خویش را بکار می‌گیرد تا مانع این همکاریها شود؛ توجه به این نکته در رابطه با ایران بسیار حساس‌تر و جدی‌تر است، به طوری که آمریکا سعی می‌کند؛ بسیاری از همکاریهای عادی و متعارف ایران را در عرصه بین‌المللی نیز مانع شود. اینگونه کارشکنی‌های آمریکا البته به شکلی متفاوت متوجه سیاستهای مستقلانه‌ی چین نیز می‌شود، به نحوی که آمریکا می‌کوشد با استفاده از اهرم‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، تبلیغی، سیاست خارجی و دیدگاه‌های بین‌المللی چین را تحت تاثیر خود قرار دهد.

فریدون وردی نژاد، سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین، در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران اظهار کرد که سیاستهای کاخ سفید، نه تنها در رابطه با ایران، بلکه علیه هر کشوری که بخواهد در برابر یکجانبه‌گرایی ایستادگی کند، کماکان ادامه دارد.

وردی‌نژاد افزود: «ایران و چین از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای نقطه نظرهای مشترک و دیدگاههای بسیار نزدیکی هستند. شرایط بین‌المللی برای دو کشور به نحوی است؛ که مواضع تهران و پکن را در قبال مسائلی چون حقوق بشر، خلع سلاح، امنیت بین‌المللی، نقش سازمان ملل متحد، نظام بین‌المللی و عملکرد قدرتهای بزرگ و مقابله با تروریسم در کنار هم قرار داده است. وضعیت اقتصادی و روابط تجاری ایران و چین نیز به نحوی است که هر دو در سایه‌ی همکاریهای متقابل، بسیاری از نیازهای همدیگر را پوشش می‌دهند. از طرف دیگر، دو کشور ایران و چین (همانند هر کشور مستقل دیگری)، قاطعانه در پی اعمال سیاستهای عمومی بر اساس منافع ملی خود هستند. همکاریهای دو کشور در سالهای اخیر به نحو روزافزونی گسترده‌تر شده است و عزم رهبران دو کشور برای گسترش همکاریهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نیز جزم‌تر از گذشته است.»

سفیر ایران در چین با اشاره به تلاش آمریکا برای تاثیرگذاری بر روابط ایران و چین گفت: «ممکن است آمریکا تصور کند؛ که افزایش روابط میان چین و ایران، منافع کاخ سفید را به چالش می‌خواند، اما حتی با این فرض نیز مشاهده می‌شود؛ که علی‌رغم خواست آمریکا، دو کشور چین و ایران تاکنون توانسته‌اند، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در همکاریهای خود داشته باشد.»

سفیر ایران در توضیح مسأله‌ی به وجود آمدن تفاوت‌های چشمگیر در روابط چین و آمریکا نسبت به قبل از حوادث 11 سپتامبر و ماهیت این تفاوتها گفت: «روابط چین و آمریکا دارای پیچیدگیها و ابعاد متفاوتی است. حوادث 11 سپتامبر نیز جنبه‌های گوناگون دیگری را به این پیچیدگیها افزود. برخورد دو هواپیمای مسافربری به دو آسمانخراش شهر نیویورک و کشتار فجیعی که در این رخداد به بار آمد، در یک مرحله، موجب تاثیر عمیق در جوامع بشری شد و به همین لحاظ نوعی همدردی در جامعه‌ی بین‌المللی نسبت به قربانیان بوجود آمد. به نحوی که غالب کشورهای وقوع این جنایت را محکوم کردند. البته دولت آمریکا در مراحل بعدی سعی کرد که از این پیشامد و نیز از حس همدردی جهانیان با مردم آمریکا در راستای اهداف سیاسی دیگری بهره‌برداری کند؛ که همین اقدامات آمریکا نیز به نوبه‌ی خود موجبات ناخشنودی بسیاری از کشورها و شخصیت‌های جهانی را فراهم آورد.»

وی ادامه داد: «چین نیز همگام با سایر دولتها و ملتها، حوادث 11 سپتامبر (20 شهریور) را شدیداً محکوم کرد و با ملت آمریکا همدردی نمود. پکن همچنین در مرحله‌ی تحقیقات آمریکا برای شناسایی عاملین احتمالی این حرکت تروریستی و با عنایت به شک و گمان قوی که در این رابطه متوجه طالبان و گروه القاعده در افغانستان شده بود، در زمره‌ی کشورهایایی بود؛ که از نظر امنیتی و اطلاعاتی با آمریکا وارد همکاری شد. البته این همکاری چینی‌ها مربوط به مرحله‌ی اول واکنش کشورها در خصوص وقایع 11 سپتامبر و برخاسته از حس همدردی آنان نسبت به مردم آمریکا بود. گو اینکه در مرحله‌ی بعدی، یعنی در زمانی که آمریکایی‌ها آشکارا به بسط حضور نظامی خود در آسیای میانه و افغانستان پرداختند، با مخالفت‌های ضمنی چینی‌ها مواجه شدند؛ که خواهان انجام هرگونه اقدامی در چهارچوب مقررات بین‌المللی و مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد بودند. به واقع چینی‌ها به تدریج پی بردند که حضور جدی نظامی آمریکا در منطقه و در همسایگی چین، دارای ابعادی به مراتب وسیع‌تر از حمله به یک دولت نابالغ و ارتشی بدوی چون طالبان و القاعده می‌باشد. چینی‌ها که در ابتدا تصور می‌کردند آمریکا به زعم خود پس از مجازات طالبان، از منطقه عقب‌نشینی خواهد کرد، به تدریج دریافته‌اند که آمریکایی‌ها خواهان استمرار حضور و گسترش سیطره و نفوذ خود در افغانستان و آسیای میانه هستند. این خواسته‌ی آمریکایی‌ها به هیچ عنوان در راستای منافع کشورهای چین و روسیه نبوده و نمی‌باشد، چرا که با تحقق و تحکیم این حضور، سربازان آمریکایی در واقع تا پشت مرزهای چین و روسیه پیشروی کرده‌اند و حلقه محاصره‌ی چین را تکمیل تر کرده‌اند و این می‌تواند در دراز مدت برای این کشور نگران کننده باشد.»

وردی‌نژاد در ادامه به بررسی روابط و تنش‌های چین و آمریکا پرداخت و خاطر نشان کرد: «به هر صورت روابط چین و آمریکا به ویژه پس از حوادث 11 سپتامبر چند مرحله را سپری کرده و هم اکنون در وضعیتی، برخوردار از «همکاری‌های گسترده» توأم با

«نگرانی های نسبتاً عمیق» به ویژه از طرف چینی ها، رسیده است.»

وردی نژاد در پاسخ به این سوال که با توجه به شرایط فعلی، سرانجام بحران تایوان و نقش آمریکا در آن چگونه خواهد بود؟ اظهار کرد: «مسئله تایوان البته مناقشه ای تازه ای در روابط چین و آمریکا نمی باشد، با این حال عمده ی سیاستمداران و شخصیت های علمی و پژوهشگران چینی و آمریکایی اذعان دارند که این مسئله، محوری ترین، ماندگارترین و حساس ترین مسئله در روابط میان دو کشور می باشد.»

وی با برشمردن تاریخچه ی تنش های آمریکا و چین در این رابطه گفت: «طی 50 سال، دولت های آمریکایی پیوسته تمهیداتی را برای جلوگیری از سقوط تایوان اندیشیده اند. از جمله این تمهیدات سیل کمک های تسلیحاتی مدنی است که در اختیار تایوان قرار می دهد. با اینکه بیش از سی سال از برقراری تماس های نزدیک و رده بالا میان رهبران چین و آمریکا (نیکسون و مائو) می گذرد و روابط دیپلماتیک میان دو کشور نیز بیست و چند سال پیش برقرار شده است، کمک های تسلیحاتی آمریکا به تایوان کماکان ادامه دارد و البته چینی ها نیز پیوسته نسبت به آن اعتراض داشته اند. از سوی آمریکایی ها پیوسته تاکید کرده اند؛ که به سیاست «چین واحد» پایبند هستند، اما به زعم خود این تعهد خود را مانعی برای آنچه که تقویت توان دفاعی (ونه تهاجمی) تایوان می نامند، به حساب نمی آورند.»

وی ادامه داد: «به این نکته باید اذعان کرد که هر کدام از دو طرف در سیاست های خود، تعریف خاصی از مسئله تایوان و موقعیت آن دارند و ضمناً تمایلی ندارند که تعریف طرف مقابل از این مسئله را به مستسکی برای بروز بحران در روابط فی مابین مبدل نمایند. به عبارتی گستره ی مناسبات، حجم تبادلات تجاری (حدود 90 میلیارد دلار) و استحکام پایه های سیاست همکاری متقابل در سال های اخیر به حدی میان دو طرف تقویت شده است که هر کدام خط قرمزی در خصوص مسئله (Engagement Policy) تایوان قائل هستند و هیچ کدام هم تاکنون اجازه نداده اند که این مسئله موجب بروز بحرانی حاد در روابط دو کشور شود. بنابراین به نظر نمی رسد که در آینده ی نزدیک و دست کم در یکی دو دهه ی آینده، شاهد بحرانی در روابط دو کشور در این خصوص باشیم.»

وردی نژاد افزود: «از طرفی چینی ها بارها اعلام کرده اند که «اعلام استقلال تایوان» از سوی سیاستمداران حاکم در این جزیره، به معنای اعلان جنگ میان چین و تایوان خواهد بود و لذا تایوانی ها نیز با درک حساسیت این خطر، به طور جدی استقلال جزیره را در دستور کار خود قرار نداده اند و البته آمریکایی ها نیز دولت مردان تایوانی را از چنین اقدامی برحذر داشته اند. ضمن آنکه دولت مردان آمریکا پیوسته نسبت به سیاست چین واحد، ابراز تعهد نموده و با استقلال تایوان مخالفت ورزیده اند.

سفیر ایران در چین در ارزیابی روابط کنونی ایران و چین، به ویژه در حوزه های سیاسی و اقتصادی گفت: «چین در حال حاضر در زمره ی کشورهای دوست و متحد ایران قرار دارد. مناسبات دو کشور در عرصه ی سیاسی و اقتصادی و تجاری به ویژه در سال های اخیر در بهترین حالت ممکن ادامه دارد و حجم مناسبات اقتصادی از سه میلیارد و سیصد میلیون دلار در سال فراتر رفته است.» وی اضافه کرد: «از لحاظ سیاسی نیز دو کشور در بسیاری از زمینه ها دارای دیدگاه های بین المللی مشابهی هستند. نظرات دو کشور در خصوص مسئله ی حقوق بشر، عدم گسترش تسلیحات موشکی و کشتار جمعی و نیز سیاست های مربوط به سلاح های هسته ای، تسلیحات شیمیایی و میکروبی تا حدود زیادی مشابه و حتی در برخی موارد بسیار نزدیک به هم می باشد. دو کشور همچنین خواهان نقش فعالتر و مدیریت جدی تر سازمان ملل متحد در عرصه ی جهانی هستند و با برپایی نظام تک قطبی به دیده مساعد نمی نگرند»